نشریه علمی پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)
مقاله پژوهشی/ سال بیست و چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳، صص: ۲۲۹-۲۵۴

بررسی تأثیر لایه‌های نظام تأمین اجتماعی بر عدالت اقتصادی - اسلامی با تأکید بر تکافل

حمیدرضا نائب خسروشاهی[۱]
محمدرضا ناهیدی امیرخیز[۲]
محمدعلی متفکر آزاد[۳]
سید علی پایتختی اسکوئی[۴]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۱۳

چکیده

با توجه به اهمیت عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام از یک‌سو و نقش تعیین‌کننده نظام تأمین اجتماعی در عدالت از سوی دیگر، همچنین براساس این واقعیت که بیمه تکافل به‌عنوان یک الگوی اسلامی پرکاربرد در پوشش ریسک بیمه که تفاوت‌هایی اساسی همچون مشارکتی بودن، عدم تمرکز بر سود، و تطابق با مقررات شریعت با بیمه‌های مرسوم دارد، مورد توجه اندیشمندان حوزه مالی و نیز فعالان بازارهای مالی، به‌خصوص بازار محصولات بیمه‌ای درکشورهای مختلف اسلامی جهان است، هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیر انواع لایه‌های نظام تأمین اجتماعی بر عدالت اقتصادی - اسلامی در استان‌های ایران در دورهٔ زمانی ۱۳۸۷-۱۴۰۰ با به‌کارگیری روش GMM و نیز پیش‌بینی تأثیر تکافل بر ارتقای عدالت از طریق هدایت هزینه‌های مذهبی خانوارها به سمت بیمه تکافل بوده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که نابرابری دوره قبل و تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت و نرخ تورم رابطه منفی با نابرابری دارند. علاوه بر این، هر سه لایه مساعدت‌های اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی پایه و بیمه‌های اجتماعی تکمیلی به‌طور معنی‌داری باعث کاهش نابرابری می‌گردد. در این میان، بیمه‌های اجتماعی پایه بیشترین تأثیر و مساعدت‌های اجتماعی کمترین تأثیر را بر کاهش نابرابری دارند. علاوه بر این، براساس نتایج حاصله، می‌توان بیان نمود که از طریق هدایت مخارج مذهبی خانوارها به سوی بیمه تکافل که بیمه‌ای اسلامی و از نوع بیمه اجتماعی پایه می‌باشد، می‌توان نابرابری اقتصادی - اسلامی را در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ به‌ترتیب به میزان حداقل ۰,۳۱ و ۰,۲۵ (چهار محال و بختیاری) و حداکثر ۵,۹۵ و ۵,۹۱ (مرکزی) کاهش داد.

واژگان کلیدی: اقتصاد ایران، تأمین اجتماعی، تکافل، روش گشتاورهای تعمیم‌یافته، نابرابری اقتصادی
طبقه‌بندی JEL : H55, D63, C23

۱. دانشجوی دکتری تخصصی اقتصاد، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول) hr.khosroshahy@yahoo.com
۲. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران nahidi@iaut.ac.ir
۳. استاد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. m.motafakker@gmail.com
۴. دانشیار، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران. oskooe@yahoo.com

۱. مقدمه

توسعه اقتصادی یکی از اهداف مهم همه کشورها به‌شمار می‌رود و بسیاری از نظریه‌پردازان معتقدند که توسعه در بستر عدالت میسر می‌گردد. در این نگرش، نه تنها عدالت ثمره توسعه است، بلکه مسیر تحقق توسعه نیز بر مبنای عدالت تحقق می‌یابد (غفاری و همکاران، ۱۳۹۷). به همین دلیل با وجود تفاوت در مکاتب و جوامع مختلف، در طول تاریخ، موضوع عدالت یکی از دغدغه‌های بشریت بوده و تحقق عدالت، به ویژه عدالت اقتصادی، یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف بوده است. در این میان، نظریه‌پردازان اقتصاد اسلامی نگاه موشکافانه‌تر و سخت‌گیرانه‌تری نسبت به سایر مکاتب به عدالت دارند. چرا که توجه به عدالت و تلاش برای تحقق آن از جمله اهداف بنیادین نظام اسلامی است. این اهمیت تا بدان پایه است که قرآن کریم در آیات متعددی به آن تأکید کرده است. از آن جمله در آیه ۲۵ سوره حدید یکی از اهداف بعثت انبیا را فراهم کردن زمینه قیام مردم به قسط و عدل عنوان کرده وفرموده است: « لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (همانا ما پیامبران خود را با ادلّه و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند). همچنین حضرت علی (ع) در نامه‌ها و خطبه‌های مختلف بر عدل و قسط تأکید کرده‌اند و یکی از دلایل اصلی پذیرش حکومت از سوی خود را برقراری توازن و از بین بردن شکاف‌های ناروا در میان دو طبقه ستمگر شکم‌باره و مظلوم گرسنه بیان فرموده‌اند (نهج‌البلاغه، خطبه ۳). عدالت اقتصادی، مهم‌ترین حوزه عدالت و جزو اساسی‌ترین مبانی و اصول اقتصاد اسلامی به‌شمار می‌رود. یکی از عناصر مهم جامعه برای کمک رساندن به برقراری عدالت اقتصادی، نظام تأمین اجتماعی است. در این میان، تکافل به‌عنوان یک الگوی بیمه اسلامی که بر مبانی اصیل دینی بنا نهاده شده است توجه بسیاری از محققان و سیاست‌گذاران نظام تأمین اجتماعی و بازارهای مالی کشورهای اسلامی را به خود جلب نموده است. تکافل یک قرارداد مشارکتی است که بر پایه تعاون و ضمانت متقابل بوده و با ویژگی‌هایی از قبیل عدم تمرکز بر سود، وجود نظارت شرعی بر روند کاری، و مطابقت با اوامر و مقررات دین اسلام، می‌تواند رقیبی قدرتمند برای بیمه مرسوم در صنعت بیمه کشورهای اسلامی باشد. بر این اساس، با توجه به اهمیت عدالت اقتصادی در مکاتب اسلامی از یک سو و نقش نظام تأمین اجتماعی در ارتقای عدالت از سوی دیگر، و همچنین براساس پتانسیل صنعت بیمه ایران برای رواج تکافل به‌عنوان بیمه مبتنی بر الگوهای اسلامی، بررسی عوامل مؤثر بر عدالت اقتصادی-اسلامی و همچنین ارزیابی نقش نظام تأمین اجتماعی در بهبود عدالت حائز اهمیت ویژه‌ای است. بنابراین هدف اساسی مطالعه حاضر، بررسی تأثیر لایه‌های مختلف نظام تأمین اجتماعی بر عدالت اقتصادی-اسلامی، در کنار سایر عوامل تأثیرگذار، در دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۴۰۰ در استان‌های ایران با به‌کارگیری رویکرد اقتصادسنجی داده‌های تابلوی پویای گشتاورهای تعمیم‌یافته[1] (GMM) می‌باشد. علاوه بر این با توجه به این واقعیت که در راستای ترویج یک سیستم بیمه اسلامی، می‌توان از طریق آموزش و افزایش آگاهی مردم در رابطه با بیمه تکافل و ویژگی‌های

1. Generalized Method of Moments

آن، هزینه‌های مذهبی مردم را به سمت رواج بیشتر این نوع بیمه سوق داد، مطالعه حاضر در پی سناریوسازی هدایت هزینه‌های مذهبی خانوارها به سمت بیمه تکافل و سپس پیش‌بینی اثرات بیمه تکافل در ارتقای عدالت با استفاده از مدل عدالت تخمین‌زده‌شده می‌باشد. سازماندهی مطالعه حاضر بدین صورت است که بعد از مقدمه، مروری بر ادبیات نظری و پیشینه تجربی تحقیق انجام می‌گیرد. سپس روش تحقیق مورد استفاده توضیح داده می‌شود. بخش چهارم به گزارش و تجزیه و تحلیل نتایج برآورد اختصاص می‌یابد و در بخش نهایی، خلاصه و نتیجه‌گیری و همچنین پیشنهادات سیاستی منتج از مطالعه تبیین می‌گردد.

۲. مبانی نظری

بیان تئوری‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های علمی (اصول و پایه‌های نظری تحقیق) که محقق از طریق آن نتایج تحقیق خود را در راستای آزمون نظریه یا مدل مورد نظر تبیین می‌کند.

در دهه‌های اخیر با توجه به اهمیت فزاینده «دولت رفاه»، در کشورهای مختلف، دولت‌ها به اقداماتی از جمله افزایش اشتغال، گسترش خدمات بیمه‌ای و اجرای سیاست‌های مناسب مالیاتی در راستای بهبود عدالت اقتصادی پرداخته‌اند (موسوی جهرمی و همکاران، ۱۳۹۳). علت این تمرکز این است که در هر کشوری، نابرابری اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز تفاوت در عادات شخصی، شرایط محیط زیست، آموزش و دسترسی به مراقبت‌های بهداشی باشد و درنتیجه مانع از انسجام اجتماعی، رشد اقتصادی و توسعه بازارهای مالی گردد. از آنجایی که اقدامات مؤثر در این زمینه نیازمند بررسی عوامل تعیین‌کننده عدالت است، در ادبیات اقتصادی جهان تأثیر متغیرهای مختلف بر عدالت اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه به بررسی ادبیات نظری موجود در زمینه مهم‌ترین عوامل مؤثر بر عدالت پرداخته می‌شود.

الف) نظام تأمین اجتماعی و بیمه: همان‌طور که چچی و گارسیا-پنالوسا (۲۰۰۴)[1] اظهار داشته‌اند، آشکار است که نابرابری درآمدی در شرایط نااطمینان و پرریسک افزایش می‌یابد و بنابراین هر مکانیسمی مشابه بیمه می‌تواند به انباشت سرمایه انسانی و درنتیجه کاهش نابرابری کمک کند. تأمین‌اجتماعی یکی از این مکانیسم‌ها به‌شمار می‌رود و به منزله حمایتی است که جامعه، در قبال پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادیِ پدید آمده، به واسطه قطع یا کاهش شدید درآمد افراد در اثر بیکاری، بیماری، بارداری، ازکارافتادگی، سالمندی، فوت، افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری خانواده به اعضای خود ارائه می‌دهد. این امر، به ویژه برای آن دسته از خانوارهایی که در مقابل زیان‌های مالی ناشی از وقایع غیرمنتظره آسیب‌پذیرترند، حیاتی‌تر است (امین رشتی و قربانی ولیک چالی، ۱۳۹۲). به عبارت دیگر، براساس مطالعه میرزایی و میرزایی (۱۳۹۴)، تأمین‌اجتماعی بخشی از مجموعه سیاست‌های اجتماعی است که حیطه فعالیت آن، نوسانات شدید درآمدی شهروندان جامعه است و هدف این نهاد در مواقعی که شهروندان دچار قطع یا کاهش شدید درآمدی می‌شوند، رهایی دادن

1. Checchi & García-Peñalosa (2004)

آن‌ها از ترس و نیاز است. دولت‌ها با پیاده‌سازی نظام‌های تأمین‌اجتماعی مکلف به تأمین این حق هستند. در منظومه سیاست‌های اجتماعی اسلام که اهداف مهمی همچون اجرای عدالت درآن تعقیب می‌شود، سطح زندگی و وضعیت معیشتی مردم جایگاه ویژه‌ای دارد. در دهه‌های اخیر مشکلاتی همچون نااطمینانی در سرمایه‌گذاری و حوادث غیرمنتظره‌ای که وضعیت اقتصادی خانوارها و بنگاه‌ها را تهدید می‌کند، و افزایش نیاز به حمایت بیمه‌ای در راستای غلبه بر این تهدیدها اهمیت صنعت بیمه و ایجاد بسترهای لازم برای رونق بیشتر آن را افزایش داده است. در عین حال که بیمه یک ابزار برای تضمین و مدیریت ریسک است، به چندین روش بر کاهش نابرابری و بهبود رشد اقتصادی نیز مؤثر است. بنابراین می‌توان گفت که یکی از تأثیرگذارترین نهادهای جوامع توسعه‌یافته، بیمه می‌باشد (طهرانچیان و همکاران، ۱۳۹۹). یکی از مهم‌ترین جوانب تأثیر بیمه بر نابرابری، تأثیر مثبت آن بر ثبات اقتصادی و تاب‌آوری اجتماعی است (نقدی و همکاران، ۱۴۰۰). براساس نظریه کاستنر و لوبوتسکی (۲۰۱۶)[1] سیاست‌های بیمه‌ای مناسب می‌توانند با کاهش بار سنگین هزینه‌های درمان موجب افزایش سلامت و رفاه عمومی اقشار کم‌درآمد شوند وتوزیع درآمد را بهبود بخشند. چراکه می‌تواند سهم کارفرما و کارگر را برای بیمه تغییر دهد. علاوه بر این سیاست‌های بیمه‌ای می‌تواند میزان اقدام برای درمان را در بین گروه‌های مختلف اجتماعی تحت تأثیر قرار داده و از طریق تأثیر بر سلامت آن‌ها بر آموزش، بهره‌وری و وضعیت اقتصادی آن‌ها نیز تأثیر بگذارد. همچنین صنعت بیمه نقش مهمی در بازار اوراق قرضه دارد. با توسعه مهارت‌های تخصصی در تجزیه و تحلیل ریسک و نظارت بر آن، شرکت‌های بیمه تامین مالی بخش بزرگی از وام‌گیرندگان را که به سایر سیستم‌های مالی خدمت می‌کنند، تقبل می‌کنند، همچنین صنعت بیمه به اقتصاد دولتی و محلی کمک می‌کند. بر این اساس، می‌توان گفت تمامی موارد اشاره شده قادرند علاوه بر افزایش رشد اقتصادی به کاهش نابرابری درآمد در یک اقتصاد یاری رسانند (آرنا، ۲۰۰۸)[2]. بانفیگلیولی (۲۰۱۲)[3] نیز اشاره کرده است که تقسیم ریسک از طریق بیمه، باعث انگیزه بیشتر سرمایه‌گذاری برای ورود به عرصه تولید می‌شود. بنابراین سرمایه‌گذارانی که ریسک کمتری دارند، در صورت وجود ساز و کار مناسب بیمه، تمایل به سرمایه‌گذاری خواهند داشت. وی اظهار داشته است که این فرایند باعث کاهش نوسان درآمدی و نابرابری درآمدی خواهد شد. درواقع بیمه نقش حائز اهمیتی در پویایی بازارهای مالی و افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های سودآور بازی می‌کند و این امر منجر به ارتقای بهره‌وری و افزایش رشد اقتصادی می‌شود و همچنین از طریق افزایش فرصت‌های شغلی و بهبود اشتغال به کاهش نابرابری منجر می‌شود (امین‌رشتی و قربانی ولیک چالی، ۱۳۹۲). علاوه بر آنچه ذکر شد، با توجه به اینکه در کشورهای درحال توسعه ازجمله ایران، بخش اعظمی از صنعت بیمه در دست دولت است، درآمد

1. Kaestner & Lubotsky (2016)
2. Arena (2008)
3. Bonfiglioli (2012)

حاصل از آن می‌تواند صرف خدمات عمومی و کمک به اقشار کم‌درآمد شده و از این طریق به بهبود نابرابری اقتصادی کمک کند (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۳).

در رابطه با لایه‌های نظام تأمین اجتماعی، در ماده بیست و هفتم قانون برنامه پنجم توسعه، مجوزاستقرار نظام جامع تأمین اجتماعی چندلایه با لحاظ نمودن سه لایه زیر به دولت داده شده است (سند سیاستی نظام بیمه اجتماعی کشور، ۱۳۹۵).

لایه اول: مساعدت‌های اجتماعی شامل خدمات حمایتی و توانمندسازی؛

لایه دوم: بیمه‌های اجتماعی پایه شامل مستمری‌های پایه و بیمه‌های درمانی پایه؛

لایه سوم: بیمه‌های تکمیلی بازنشستگی و درمان.

شکل (۱) جزئیات مربوط به لایه‌های نظام تأمین اجتماعی را نشان می‌دهد.

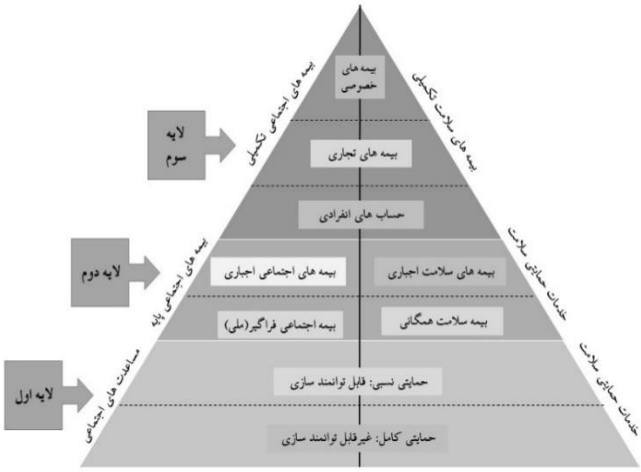

شکل ۱: شمای کلی نظام تأمین اجتماعی چندلایه در ایران

ب) بیمه تکافل: در اسلام، عدالت اقتصادی برپایه دو بعد توازن اجتماعی و تکافل اجتماعی قابل‌بررسی است. از بعد توازن اجتماعی ریشه‌کن نمودن فقر از جامعه اسلامی موردنظر است و از بعد تکافل اجتماعی که گاه از آن به‌عنوان همیاری عمومی نیز یاد کرده‌اند، درواقع به مسئولیت اجتماعی هر فرد در برخورد با مشکلات موجود در جامعه اشاره می‌شود (جمشیدی و طغیانی دولت‌آبادی، ۱۳۹۸). به عبارت دیگر، تکافل اجتماعی در حد تأمین نیازهای شدید معیشتی است که به موجب آن مردم در قبال زندگی یکدیگر مسئولیت اجتماعی دارند و مصداق بارز حدیث شریف و منقول از رسول خدا(ص) است که می‌فرمایند: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» (به‌راستی که همه شما حافظ و سرپرستید و همه شما مسئول مردم زیردست خود هستید). بر این اساس، بیمه تکافل به‌عنوان یک سیستم رایج در به اشتراک‌گذاری ریسک، مبتنی بر ضمانت مشترک اعضا، مورد

توجه اندیشمندان حوزه مالی اسلامی و نیز فعالان بازارهای مالی است (عباسچیان و همکاران، ۱۳۹۸). به دلیل آنکه تکافل در قالب یک شرکت شکل می‌گیرد که بیمه‌گذاران، سهام‌داران آن شرکت محسوب می‌شوند، هر فرد به اندازه استطاعت مالی خود، حق بیمه می‌پردازد و به همان میزان هم مالک شرکت تکافلی می‌شود. در این نوع بیمه، بیمه‌گذاران، پولی که از جیب آن‌ها پرداخت می‌شود تا خسارت یک فرد فقیر جبران شود را به‌عنوان نوعی بخشش (هبه) قلمداد می‌کنند، لذا فرد فقیر با وجود پرداخت حق بیمه اندک ممکن است خسارتش به میزان بسیاری جبران شود.

ج) رشد اقتصادی: یکی از مهم‌ترین تئوری‌های مطرح در زمینه عدالت اقتصادی، فرضیه کوزنتس (۱۹۵۵)[1] است. براساس این فرضیه، کشورها در مراحل اولیه توسعه خود، با افزایش درآمد شاهد کاهش عدالت اقتصادی هستند. اما در مراحل بعدی به دلیل اینکه افراد بیشتری افزایش درآمد را لمس می‌کنند، عدالت اقتصادی بهبود می‌یابد. بنابراین کوزنتس به وجود یک رابطه U معکوس بین رشد اقتصادی و عدالت اقتصادی اشاره می‌کند. براساس مطالعات تجربی پیشین، نتایج متناقضی در رابطه با این فرضیه وجود دارد. السینا و پروتـی (۱۹۹۶) و ناولز (۲۰۰۵) به یک رابطهٔ منفی بین این دو رسیدند. فوسو (۲۰۱۰) بیان می‌کند که نابرابری بالا منـافع حاصل از رشد را خنثی می‌کند. راویالون (۲۰۰۱) نیز ادعا می‌کند که کاهش فقر در کشورهای درحال توسعه‌ای که نرخ بالای رشد اقتصادی را با کاهش نابرابری‌ها ترکیب کرده‌اند، موفق‌تر بوده است.

د) نرخ تورم: با توجه به مطالعه گالی و واندرهووم (۲۰۰۱)[2] و امورنتام (۲۰۰۴) [3]، تورم اثرات دوگانه‌ای بر نابرابری دارد:

اول اینکه افزایش تورم باعث کاهش قدرت خرید شده و به چهار طریق بر نابرابری تأثیر می‌گذارد:

۱. تأثیر بر درآمد حقیقی: افزایش تورم باعث کاهش درآمد حقیقی و درنتیجه قدرت خرید کسانی که درآمدهای ثابتی دارند (مانند کارمندان و کارگران) می‌شود. اما، درآمد اسمی سایر افراد، به ویژه افراد با درآمد بالا، ثابت نبوده و با افزایش تورم افزایش می‌یابد. این امر باعث می‌شود که تورم در قدرت خرید آن‌ها تأثیر کمتری داشته باشد. بر این اساس، نابرابری درآمد با افزایش نرخ تورم، افزایش می‌یابد؛
۲. تأثیر بر ارزش حقیقی پرداخت‌های انتقالی: ارزش حقیقی پرداخت‌های انتقالی دولت (از قبیل یارانه و بیمه بیکاری) با افزایش تورم، کاهش می‌یابد. از آنجایی که دریافت‌کنندگان این پرداخت‌ها، طبقه فقیر جامعه هستند، بنابراین تورم از این طریق نیز منجر به افزایش نابرابری می‌گردد؛
۳. تأثیر بر ارزش حقیقی دارایی‌های پولی: اقشار با درآمد بالا معمولا برای محافظت از دارایی‌های خود در مقابل تورم، آن را به دارایی‌هایی همچون مسکن، سهام، و طلا تبدیل

1. Kuznets (1955)
2. Galli & Vander Hoeven (2001)
3. Amornthum (2004)

می‌کنند. اما اقشار کم‌درآمد دارایی کمتری دارند و اغلب امکان تبدیل آن‌ها به سایر دارایی‌ها را ندارند و بنابراین نسبت بیشتری از دارایی خود را به‌صورت پول نگهداری می‌کنند. بر این اساس، تورم بر دارایی افراد فقیر تأثیر بیشتری دارد و منجر به افزایش نابرابری می‌شود؛

۴. تأثیر بر ارزش حقیقی بدهی‌های اسمی: افزایش نرخ تورم از طریق بهبود وضعیت وام‌گیرندگان و بدتر شدن وضعیت وام‌دهندگان باعث انتقال قدرت خرید می‌شود و یک توزیع مجدد صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه افراد کم‌درآمد معمولا بدهکار بوده و افراد ثروتمند طلبکار می‌باشند، می‌توان نتیجه گرفت که براساس این نظریه افزایش نرخ تورم منجر به توزیع مجدد درآمد به نفع افراد کم‌درآمد و درنتیجه، کاهش نابرابری می‌شود.

دومین تأثیر تورم بر اقتصاد از طریق تأثیر بر ثبات اقتصادی است. نوسانات مکرر تورم باعث کاهش ثبات در اقتصاد کلان و درنتیجه کاهش سرمایه‌گذاری و نیز کاهش مکرر در رشد اقتصادی می‌شود. اگرچه رابطه رشد اقتصادی و نابرابری روشن نیست، اما براساس مطالعه رومر و رومر (۱۹۹۸)[1] می‌توان انتظار داشت که انحراف معیار بالاتر رشد اقتصادی منجر به نابرابری درآمد بیشتر گردد (شاکری و همکاران، ۱۳۹۲).

علاوه بر آنچه ذکر شد، شاکری بستان‌آباد و جلیلی (۱۳۹۹) نیز اظهار داشته‌اند که با توجه به اینکه عموماً متقاضیان کالاهای تجملی افراد ثروتمندتر هستند، در هنگام افزایش نرخ تورم، اگر قیمت کالاهای تجملی به‌طور نسبی بیشتر از کالاهای ضروری افزایش یابد، تورم باعث توزیع مجدد درآمد به ضرر ثروتمندان و درنتیجه کاهش نابرابری می‌گردد. بنابراین می‌توان بیان نمود که تورم می‌تواند از جهات مختلف اثرات متفاوتی بر نابرابری اقتصادی داشته باشد.

۳. پیشینه پژوهش

الف) مطالعات خارجی

مؤتمنی (۲۰۱۵)[2] با استفاده از داده‌های تابلویی استان‌های ایران و با به‌کارگیری روش‌های CIPS و SUR به بررسی تأثیر بیمه خصوصی، تورم، بیکاری و رشد اقتصادی بر توزیع درآمد در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۱ پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان داده است که نابرابری درآمدی در ایران با رشد بیمه بخش خصوصی کاهش یافته است.

راویندرا دیشاپریا (۲۰۱۷)[3] با استفاده از آمار ۳۳ کشور آسیایی در سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۱۳ و با به‌کارگیری روش داده‌های پانلی پویا به بررسی عوامل تعیین‌کننده نابرابری درآمد پرداخته و دریافته است که بین GDP و نابرابری رابطه‌ای به شکل U معکوس وجود دارد. همچنین کمک‌های رسمی

1. Romer & Romer (1998)
2. Motameni (2015)
3. Ravindra Deyshappriya (2017)

توسعه‌ای (ODA)، آموزش و مشارکت نیروی کار نابرابری را کاهش می‌دهد، درحالی‌که تورم، ریسک سیاسی، شرایط تجارت و بیکاری باعث افزایش نابرابری می‌شود.

تریدیکو (۲۰۱۷)[1] با استفاده از روش داده‌های تابلویی اثرات تصادفی و براساس داده‌های ۲۵ کشور دارای درآمد بالا و عضو OECD در دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۳ نشان داده است که توسعه مالی, افزایش انعطاف‌پذیری کار، تضعیف اتحادیه‌های کارگری و تعدیل نیرو منجر به افزایش نابرابری در کشورهای تحت بررسی شده است.

بوسوسکا (۲۰۱۹) [2] به شناسایی عوامل تعیین‌کننده نابرابری درآمد در سه کشور نامزد اتحادیه اروپا (مقدونیه شمالی، صربستان و ترکیه) در دوره زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۷ پرداخته است. وی با استفاده از روش داده‌های پانلی با اثرات ثابت دریافته است که نرخ بیکاری، سطح توسعه اقتصادی و نرخ سرمایه‌گذاری عوامل اصلی تعیین‌کننده هستند که منجر به افزایش نابرابری درآمد می‌شوند. بدهی دولت نیز اثر منفی و معنی‌داری بر نابرابری درآمد دارد. اما تجارت و نرخ تورم تأثیر ناچیزی داشته‌اند. همچنین در بین عوامل جمعیت‌شناختی، رشد جمعیت و آموزش تأثیر قابل توجهی بر نابرابری درآمد دارد.

اسونگو و اودهیامبو (۲۰۲۰)[3] به بررسی اثرات بیمه بر نابرابری درآمد در کشورهای آفریقا پرداختند. آن‌ها با استفاده از آمار ۴۲ کشور در دوره زمانی ۲۰۰۴-۲۰۱۴ و با به‌کارگیری روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) دریافتند که بیمه عمر ضریب جینی و شاخص اتکینسون را افزایش می‌دهد. بیمه غیر از بیمه عمر نیز باعث کاهش ضریب جینی و افزایش شاخص پالما می‌شود.

شائو (۲۰۲۱)[4] با تبدیل داده‌های پانلی به داده‌های شبه مقطعی و حذف اثرات کشور و زمان با استفاده از میانگین ۵ ساله داده‌های ۸۳ کشور به تحلیل عوامل تعیین‌کننده توزیع درآمد کشوری و بین‌کشوری پرداخته است. وی مدرکی در تأیید فرضیه کوزنتس در داخل و نیز بین کشورها نیافته است. نتایج وی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری تأثیر معنی‌داری بر نابرابر داست و در عین حال، سهم درآمد نیروی کار اثر مثبت و قابل توجهی بر نابرابری دارد.

برزینسکی و سالاچ (۲۰۲۲)[5] به بررسی مطالعات پیشین و داده‌های کشورهای درحال گذار اروپا در دوره زمانی ۱۹۸۸-۲۰۱۸ پرداخته و بیان کرده‌اند که اصلاحات بازار و افزایش سرمایه خصوصی باعث افزایش نابرابری منطقه شده است. آن‌ها اظهار داشته‌اند که دولت می‌تواند با سیاست‌های پیش‌توزیع مانند مقررات مالی، قانون حداقل دستمزد و حقوق اتحادیه کارگری، در دسترس بودن و کیفیت سلامت و آموزش، و سیاست‌های مالیاتی، وضعیت نابرابری را بهبود بخشد.

1. Tridico (2017)
2. Bucevska (2019)
3. Asongu & Odhiambo (2020)
4. Shao (2021)
5. Brzezinski & Salach (2022)

ب) مطالعات داخلی

ابونوری و خوشکار (۱۳۸۷) به تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر نابرابری اقتصادی در ایران در سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۸۳با استفاده از ریزداده‌های درآمد - هزینه، ضریب جینی و سهم بیستک‌های درآمدی پرداخته و دریافتند که نسبت اشتغال و هزینه‌های اجتماعی دولت بر نابرابری اثرکاهشی دارد، اما اثر تورم و درآمدهای مالیاتی بر نابرابری افزایشی است.

حمزه‌پور، محمدی و شرافتی (۱۳۹۲)، ضمن بررسی ضرورت تکافل اجتماعی براساس آیات و روایات، نقش تکافل در تقویت اجتماعی و رشد اقتصادی را بررسی و تکافل اجتماعی را شامل دو بخش تکافل عام مبتنی بر وظیفه افراد جامعه در رفع نیازهای یکدیگر و ضمان اعاله مبتنی بر وظیفه حکومت در تأمین حداقل ملزومات معاش افراد جامعه تعریف می‌نمایند و بیان می‌کنند که تکافل اجتماعی را می‌توان در راستای وظایف بانک‌های قرض‌الحسنه تعریف کرد.

پناهی و همکاران (۱۳۹۴) با استفاده از داده‌های استان‌های ایران در دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۰ و با به‌کارگیری روش میانگین‌گیری مدل بیزینی به بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد پرداخته و دریافتند که سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه رابطه منفی با ضریب جینی دارد و موجب بهبود توزیع درآمد می‌گردد. همچنین نتایج این مطالعه حاکی از برقراری فرضیه کوزنتس مبنی بر وجود رابطه U معکوس بین توسعه اقتصادی و توزیع درآمد است.

طهرانچیان و همکاران (۱۳۹۹) با به‌کارگیری روش داده‌های تابلویی پویا و آمار استان‌های ایران در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ به بررسی تأثیر بیمه بر نابرابری درآمد پرداخته و دریافتند که تورم اثر مثبتی بر ضریب جینی دارد، اما شاخص درآمد سرانه و ضریب نفوذ دارای تأثیر منفی بر ضریب جینی است. همچنین، میزان اثرگذاری این عامل بر ضریب جینی بسته به سطح توسعه انسانی و ضریب نفوذ بیمه متفاوت است. به نحوی که نخست، تفاوت اندازه اثرگذاری ضریب نفوذ بیمه بر توسعه انسانی موجب تقویت اثرگذاری ضریب نفوذ بیمه بر کاهش نابرابری درآمد می‌گردد. دوم، با افزایش در اندازه ضریب نفوذ بیمه، اثرگذاری ضریب نفوذ بیمه بر کاهش نابرابری درآمد تقویت می‌شود.

سرخوش‌سرا و همکاران (۱۳۹۹) با به‌کارگیری رویکرد خودتوضیح برداری ساختاری به تحلیل عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی در ایران در دوره زمانی ۱۳۵۲-۱۳۹۴ در چهارچوب دیدگاه‌های توماس پیکتی پرداختند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که افزایش شکاف (r-g) ارتباط مثبت و معنی‌داری با افزایش نابرابری و سهم سرمایه از درآمد ملی نداشته و شواهد محکمی برای تأیید فرضیه پیکتی در ایران وجود ندارد.

شاکری بستان‌آباد و جلیلی (۱۳۹۹) با استفاده از روش پانل پروبیت به بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد استان‌های ایران در دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۴ پرداختند و دریافتند که رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد فرضیه کوزنتس را تأیید نمی‌کند. همچنین متغیرهای مخارج دولتی سرانه، توسعه مالی و تورم اثر منفی و معنی‌داری بر ضریب جینی دارند.

زبیری و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی اثر بیمه بر نابرابری درآمد در ۵۰ کشور منتخب در دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۲۰ با استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا پرداخته و دریافته‌اند که متغیر ضریب نفوذ بیمه اثر منفی و معناداری بر نابرابری درآمد دارد. علاوه بر این، بیمه بازرگانی، نه تنها از وقوع فقر بیشتر جلوگیری می‌کند بلکه افزایش اطمینان خاطر و ثبات در رفتار مصرفی و سرمایه‌گذاری خانوارها را به همراه دارد.

قریشی و محمدی (۱۴۰۱) عوامل تعیین‌کننده پایداری نابرابری درآمد در کشور هندوستان از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۲۱ با استفاده از روش مطالعه تک موردی و تحلیل دقیق داده‌های آماری پرداخته و دریافتند که هرچند عوامل گوناگونی مانند ریشه‌های نظام اجتماعی، رشد اقتصادی، جهانی شدن و ابزارهای آن در پایداری نابرابری درآمد مؤثر بوده‌اند، دلیل اصلی تأثیرگذاری این عوامل در تغییر اولویت‌های دولت هندوستان و کنار گذاشتن اجرای برنامه‌های فقرزدایی و همسان‌سازی درآمد است.

قاسمی دهقی و همکاران (۱۴۰۲) به بررسی عوامل اقتصادی - سیاسی مؤثر بر نابرابری درآمد در برنامه‌های اول و دوم توسعه در ایران با استفاده از روش ARDL و داده‌های سری زمانی ۱۳۶۳-۱۳۹۹پرداخته و با استفاده از متغیر دامی برای برنامه اول و دوم توسعه، دریافتند که نابرابری درآمد با متغیرهای رشد نقدینگی و بهره‌وری نیروی کار رابطه منفی و با رشد بدهی دولت به سیستم بانکی، رشد نقدینگی با یک وقفه، رشد بدهی خارجی کوتاه‌مدت و گسترش فساد رابطه مستقیم دارد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر به تدوین و تخمین مدل عدالت اقتصادی - اسلامی و تأثیر لایه‌های مختلف تأمین اجتماعی بر آن با استفاده از داده‌های تابلویی استان‌های ایران در دوره زمانی ۱۴۰۰-۱۳۸۷ می‌پردازد. سپس، با استفاده از سناریوسازی هدایت هزینه‌های مذهبی خانوارهای به سمت بیمه تکافل، به بررسی تأثیر تکافل بر عدالت اقتصادی - اسلامی پرداخته می‌شود. جامعه آماری این تحقیق، کلیه استان‌های ایران در دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۴۰۰ می‌باشد. آمار و اطلاعات مربوط به متغیرهای مورد نیاز از سالنامه‌های آماری استان‌ها در پایگاه مرکز آمار ایران گردآوری شده است. گفتنی است که با توجه به تعاریف سه لایه نظام تأمین اجتماعی، مجموع مساعدت‌های حمایتی در قالب بیمه خدمات درمانی توسط کمیته امداد امام خمینی و بنیاد شهید و امور ایثارگران به‌عنوان شاخص لایه اول، هزینه‌های بیمه درمانی خانوارها به‌عنوان معیاری برای لایه دوم، و مجموع حق بیمه عایدشده در قالب بیمه تکمیلی درمانی، آتش‌سوزی، بابری، حوادث، بدنه اتومبیل، شخص ثالث، عمر و سایر بیمه‌های غیر از بیمه پایه تأمین اجتماعی، به‌عنوان لایه سوم نظام تأمین اجتماعی در نظر گرفته شده است. همچنین، برای اندازه‌گیری شاخص عدالت اقتصادی - اسلامی با توجه به مطالعه نائب خسروشاهی و همکاران (۱۴۰۲)[۱] و براساس تعدیل، ترکیب و تکمیلی بر مطالعه صدری (۱۳۹۱) و شاکری و همکاران (۱۳۹۸) معیارهای زیر مورد استفاده قرار گرفته است:

۱. برخورداری برابر از منابع و ثروت‌های عمومی شامل عدالت درون‌نسلی و عدالت بین‌نسلی؛

---

۱. مستخرج از رساله دکتری

۲. سهم‌بری عوامل تولید براساس میزان مشارکت؛
۳. قرار گرفتن اموال در موضع قوام آن (کارایی) شامل کارایی فنی و کارایی تخصیص.[۱]

براساس مطالعات نظری و تجربی پیشین، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر عدالت اقتصادی عبارتند از: رشد اقتصادی، نرخ بیکاری، مالیات، نرخ تورم و درجه باز بودن تجاری. مدل نظری مورد استفاده در این مطالعه الگوی بهبود یافته‌ای از مدل مورد استفاده توسط طهرانچیان و همکاران (۱۳۹۹) است. این مدل با توجه به نقش برجسته دو متغیر رشد اقتصادی و تورم بر نابرابری در ایران، انتخاب و تعدیل شده است. بر این اساس و با توجه به اهمیت برجسته نظام تأمین اجتماعی در برقراری عدالت، می‌توان عدالت اقتصادی را به‌صورت معادله (۱) تدوین و تصریح نمود. نکته حائز اهمیتی که باید در نظر گرفت این است که براساس مطالعات پیشین، این احتمال وجود دارد که عدالت اقتصادی از متغیرهای توضیحی و همچنین متغیر وابسته دوره‌های قبل نیز متأثر شود. بر این اساس، تخمین پویای مدل حائز اهمیت فراوانی است.

$$E_{it} = f(\, E_{it-1}. G_{it}. CPI_{it}. SS_{it}) \qquad (۱)$$

که در آن E شاخص عدالت، G رشد اقتصادی، CPI نرخ تورم و SS لایه‌های تأمین اجتماعی را نشان می‌دهد. همچنین i استان i ام و t سال را نشان می‌دهد.

معرفی روش داده‌های تابلویی پویا و روش GMM:

در صورتی‌که داده‌های پانلی علاوه بر متغیرهای مستقل جاری، به متغیرهای دوره قبل نیز وابسته باشند، مدل داده‌های تابلویی پویا برای تخمین صحیح آن مناسب خواهد بود. یکی از روش‌های رایج و پرکاربرد پویا در داده‌های پانلی، مدل گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) می‌باشد. علت رواج این رویکرد آن است که بسیار انعطاف‌پذیر بوده و تنها به فروض ضعیفی نیاز دارد (بارو و لی، ۱۹۹۶). مدل پویای GMM مشکلاتی را که روش پانل ایستا در رابطه با خودهمبستگی، ناهمسانی واریانس و تورش دارد تا حد زیادی کاهش می‌دهد. علت استفاده از این روش در مطالعه حاضر این است که اولاً براساس مطالعات پیشین این احتمال وجود دارد که متغیر وابسته هر دوره از وضعیت عدالت دوره قبل تأثیر بپذیرد و ثانیاً از آنجایی‌که یکی از راه‌های کنترل درون‌زایی متغیرها، استفاده از متغیر ابزاری است و با توجه به اینکه پیدا کردن چنین ابزاری بسیار مشکل است، می‌توان با استفاده از رویکرد GMM از وقفه متغیرها به‌عنوان ابزارهای مناسب استفاده کرد. شایان گفتن است که برای بررسی اعتبار متغیرهای ابزاری مورد استفاده در روش GMM استفاده از آزمون سارگان ضروری است. همچنین بررسی خودرگرسیونی جملات اخلال نیز لازم است. چرا که استفاده از روش تفاضل‌گیری مرتبه اول برای حذف اثرات ثابت در صورتی روش مناسبی است که مرتبه خود همبستگی جملات اختلال از مرتبه دو نباشد. با گنجاندن مقدار با وقفه متغیر وابسته به‌عنوان یکی از متغیرهای توضیحی و تبدیل مدل به یک مدل داده‌های تابلویی پویا، می‌توان معادله (۲) را برای مدل تحقیق حاضر به‌صورت زیر تبیین نمود:

---

۱. برای اطلاع دقیق از نحوه اندازه‌گیری شاخص عدالت اقتصادی - اسلامی مورد استفاده در مطالعه حاضر، به مطالعه نائب خسروشاهی و همکاران (۱۴۰۲) رجوع شود.

$$lE_{it} = \alpha + \beta_0 lG_{it} + \beta_1 lCPI_{it} + \beta_2 lSS_{it} + \beta_3 lE_{it-1} + \varepsilon \quad (۲)$$

معادله (۲) مربوط به رابطه پویای بین متغیرهای توضیحی و عدالت اقتصادی می‌باشد که برای تخمین آن از روش GMM استفاده خواهد شد. گفتنی است که با توجه به احتمال پایین وجود رابطه خطی ساده، این معادله به‌صورت لگاریتمی تعریف شده است و همه متغیرهای مورد استفاده در این مدل به‌صورت لگاریتمی می‌باشد.

۵. نتایج

۵ – ۱. برآورد مدل عدالت اقتصادی – اسلامی

در این مرحله به تخمین معادله (۲) و تجزیه و تحلیل اثرات لایه‌های مختلف تأمین اجتماعی بر عدالت اقتصادی پرداخته می‌شود. با توجه به سه لایه بودن نظام تأمین اجتماعی ایران، سه تخمین انجام شده است که در هریک از آن‌ها یکی از لایه‌های مذکور به‌عنوان متغیر تأمین اجتماعی وارد مدل شده است. نتایج آزمون سارگان، در جدول (۱) نشان داده است. با توجه به عدم رد فرضیه صفر، می‌توان گفت که اعتبار متغیرهای ابزاری مورد تأیید است.

جدول ۱: نتیجه آزمون سارگان

مدل	Chi2	P-Value
اول (متغیر تأمین اجتماعی: مساعدت‌های اجتماعی)	۲۷/۰۷۱۹۶	۱/۰۰۰۰
دوم (متغیر تأمین اجتماعی: بیمه اجتماعی پایه)	۲۴/۴۴۰۹	۱/۰۰۰۰
سوم (متغیر تأمین اجتماعی: بیمه اجتماعی تکمیلی)	۲۶/۷۱۴۸۵	۱/۰۰۰۰

(منبع: یافته‌های تحقیق)

نتایج مربوط به آزمون خودهمبستگی آرلانو – باند (۱۹۹۱)[1] در جدول (۲) گزارش شده است. فرضیه صفر مبنی بر عدم همبستگی سریالی پسماندها در هیچ‌کدام از سه مدل رد نمی‌شود. بنابراین مدل پویای تخمین‌زده‌شده، معتبر است.

جدول۲: نتیجه آزمون آرلانو – باند

مدل	مرحله	آماره Z	P-Value
اول	۱	-۳/۹۰۲۱	۰/۰۰۰۱
اول	۲	-۰/۷۶۰۲۷	۰/۴۴۷۱
دوم	۱	-۳/۴۲۰۴	۰/۰۰۰۶
دوم	۲	-۰/۷۸۹۸۸	۰/۴۲۹۶
سوم	۱	-۳/۵۲۵۶	۰/۰۰۰۴
سوم	۲	-۱/۱۱۶۸	۰/۲۶۴۱

(منبع: یافته‌های تحقیق)

1. Arellano & Bond (1991)

حال گزارش و تجزیه و تحلیل نتایج مربوط به تخمین سه مدل پویا انجام می‌گیرد. در مدل اول، متغیر مساعدت‌های اجتماعی، و در دو مدل دیگر به ترتیب متغیر بیمه‌های اجتماعی پایه و تکمیلی به‌عنوان شاخص تأمین اجتماعی وارد مدل شده‌اند. نتایج مدل‌های مذکور به ترتیب در جدول‌های (۳)، (۴) و (۵) گزارش شده است.

جدول ۳: نتایج تخمین مدل اول (اثر لایه اول)

متغیر وابسته: عدالت اقتصادی - اسلامی	ضریب	P-Value
نابرابری اقتصادی دوره قبل (وقفه متغیر وابسته)	۰/۲۹۳۵	۰/۰۰۰
تولید ناخالص داخلی	۰/۶۷۴۶	۰/۰۱۳
نرخ تورم	-۰/۴۱۵۶	۰/۰۰۲
مساعدت‌های اجتماعی (لایه اول نظام تأمین اجتماعی)	-۰/۰۱۸۷	۰/۰۴۲

(منبع: یافته‌های تحقیق)

جدول ۴: نتایج تخمین مدل دوم (اثر لایه دوم)

متغیر وابسته: عدالت اقتصادی - اسلامی	ضریب	P-Value
نابرابری اقتصادی دوره قبل (وقفه متغیر وابسته)	۰/۱۷۰۹	۰/۰۲۲
تولید ناخالص داخلی	۰/۸۸۱۸	۰/۰۰۵
نرخ تورم	-۰/۲۷۸۹	۰/۰۳۵
بیمه‌های اجتماعی پایه (لایه دوم نظام تأمین اجتماعی)	-۰/۲۱۵۱	۰/۰۰۰

(منبع: یافته‌های تحقیق)

جدول ۵: نتایج تخمین مدل سوم (اثر لایه سوم)

متغیر وابسته: عدالت اقتصادی-اسلامی	ضریب	P-Value
نابرابری اقتصادی دوره قبل (وقفه متغیر وابسته)	۰/۲۲۳۱	۰/۰۰۰
تولید ناخالص داخلی	۰/۵۲۷۰	۰/۱۴۳
نرخ تورم	-۰/۲۷۳۶	۰/۱۴۰
بیمه‌های اجتماعی تکمیلی (لایه سوم نظام تأمین اجتماعی)	-۰/۰۸۶۰	۰/۰۰۰

(منبع: یافته‌های تحقیق)

مشاهده می‌شود که در هر سه مدل نابرابری دوره قبل رابطه مثبت و معنی‌داری با نابرابری اقتصادی دوره جاری دارد. بدین معنی که بالا بودن نابرابری در دوره قبل باعث بالا بودن نابرابری در دوره جاری می‌شود و بر عکس. نرخ تورم نیز در هر سه مدل رابطه منفی با نابرابری نشان داده است که در دو مدل این رابطه معنی‌دار است. بدین معنی که با افزایش نرخ تورم نابرابری کاهش می‌یابد. این نتیجه با برخی مطالعات تجربی همچون ابونوری (۱۳۷۶) و احمدی و مهرگان (۱۳۸۳) سازگار است. براساس استدلال شاکری بستان‌آباد و جلیلی (۱۳۹۹)، اگر افزایش نسبی قیمت کالاهای تجملی بیشتر از کالاهای ضروری باشد، تورم می‌تواند باعث کاهش نابرابری گردد. بنابراین رابطه منفی بین

نرخ تورم و نابرابری می‌تواند ناشی از این واقعیت باشد که تورم کالاهای تجملی نسبت به تورم کالاهای ضروری بیشتر می‌باشد. بنابراین افزایش تورم باعث کاهش نابرابری می‌شود. در رابطه با تولید ناخالص داخلی نیز مشاهده می‌گردد که در هر سه مدل رابطه مثبتی بین تولید ناخالص داخلی و نابرابری وجود دارد که این رابطه در دو مدل از سه مدل، معنی‌دار بوده است. بدین معنی که با افزایش تولید ناخالص داخلی، نابرابری در استان‌ها افزایش داشته است. این نتیجه منطبق با مطالعاتی همچون روبین و سگال (۲۰۱۵)[1]، نییمبانیرا (۲۰۱۷)[2] و امبازیا (۲۰۱۷)[3] است که نشان داده‌اند که رابطه مثبتی بین تولید ناخالص داخلی و نابرابری وجود دارد. می‌توان نتیجه حاصل را اینگونه تبیین نمود که کشور ایران در دوره مورد بررسی دارای رشد فقر زدا نبوده است و با افزایش رشد اقتصادی نابرابری نه تنها کاهش نیافته، بلکه افزایش یافته است.

با بررسی هر سه مدل مشاهده می‌گردد که افزایش مساعدت‌های اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی پایه و بیمه‌های اجتماعی تکمیلی به‌طور معنی‌داری باعث کاهش نابرابری می‌گردد. با توجه به این نتیجه می‌توان ادعا کرد که نظام تأمین اجتماعی در هر سه لایه موفق عمل می‌کند. اما با مقایسه ضرایب سه مدل، می‌توان مشاهده نموده که اثر بیمه‌های اجتماعی پایه بر کاهش نابرابری بیشتر از لایه‌های دیگر است. رتبه دوم این اثرگذاری مربوط به بیمه‌های اجتماعی تکمیلی و در نهایت مساعدت‌های اجتماعی است. درواقع می‌توان گفت که بیمه‌های اجتماعی پایه بیشترین تأثیر و مساعدت‌های اجتماعی کمترین تأثیر را بر کاهش نابرابری دارند. این نتیجه نیز مطابق انتظار و سازگار با مطالعاتی همچون ژو و کلارک (۲۰۱۵)[4]، کاستنر و لوبتسکی (۲۰۱۶)[5] طهرانچیان و همکاران (۱۳۹۹) می‌باشد.

در رابطه با تفسیر ضرایب، می‌توان گفت که با توجه به لگاریتمی بودن مدل، پارامترهای تخمین زده شده، تخمینی از کشش متغیر درون‌زا نسبت به متغیر برون‌زا نیز می‌باشند (درخشان،۱۳۸۷، ص ۲۵۳). بنابراین می‌توان ضرایب را این‌گونه تفسیر کرد که با تغییر یک درصدی متغیر درون‌زا، متغیر برون‌زا با درصدی برابر پارامتر تخمین‌زده شده تغییر می‌کند. بدین معنی که افزایش (کاهش) یک درصد بیمه اجتماعی پایه باعث کاهش (افزایش) ۰/۲۱ نابرابری می‌گردد. همچنین افزایش (کاهش) یک درصد بیمه تکمیلی باعث کاهش (افزایش) ۰/۰۹ درصد نابرابری می‌گردد. در رابطه با مساعدت‌های اجتماعی نیز مشاهده می‌گردد که افزایش (کاهش) یک درصد از این متغیر منجر به کاهش (افزایش) ۰/۰۲ نابرابری می‌شود. با توجه به نتایج مدل عدالت اقتصادی-اسلامی، مشاهده شد که تخصیص منابع بر بیمه‌های اجتماعی پایه، بیشتر از لایه‌های دیگر تأمین اجتماعی می‌تواند به کاهش نابرابری کمک کند. در این مطالعه همچنین این نتیجه حاصل شد که از بین دو لایه دیگر،

1. Rubin & Segal (2015)
2. Niyimbanira (2017)
3. Mbazia (2017)
4. Zhu & Clark (2015)
5. Kaestner & Lubotsky (2016)

بیمه‌های تکمیلی نیز بیشتر از مساعدت‌های اجتماعی به افزایش عدالت اقتصادی کمک می‌کنند. بنابراین، می‌توان مدل تأمین اجتماعی را براساس تأثیرگذاری لایه‌ها بر عدالت تغییر داد. بدین صورت که با توجه به اینکه بیمه‌های اجتماعی پایه بیشترین تأثیر را بر عدالت اقتصادی دارند، بهتر است تمرکز اصلی نظام تأمین اجتماعی بر این لایه به‌عنوان لایه زیرین و اساسی قرار گیرد. به‌علاوه از بین دو لایه دیگر، بیمه‌های اجتماعی تکمیلی که اثر بیشتری نسبت به مساعدت‌های اجتماعی بر عدالت دارند را می‌توان به‌عنوان لایه دوم و مساعدت‌های اجتماعی را به‌عنوان لایه سوم در نظر گرفت. بر این اساس مدل تأمین اجتماعی پیشنهادی براساس نتایج مدل عدالت، به‌صورت شکل (۲) می‌باشد.

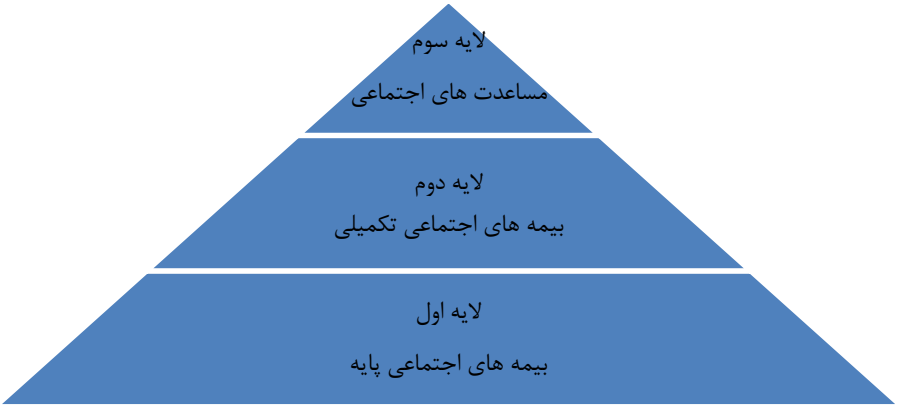

شکل ۲: مدل نظام تأمین براساس تأثیر بر نابرابری
(منبع: یافته‌های تحقیق)

۵ - ۲. سناریوسازی تکافل و اثرات توزیعی آن

با توجه به نتایج بخش قبل، مشاهده می‌شود که مهم‌ترین لایه نظام تأمین اجتماعی در راستای کاهش نابرابری اقتصادی - اسلامی بیمه‌های اجتماعی پایه می‌باشد. بنابراین بهتر است مسئولین و سیاست‌گذاران این سازمان بالاترین تمرکز خود را در این زمینه صرف نمایند. یکی از راه‌های گسترش این لایه اجرای طرح بیمه تکافل است. همان‌گونه که ذکر شده است، تکافل یک نظام بیمه اسلامی و مبتنی بر عقود شرعی است و براساس ضمانت مشترک اعضای یک گروه در برابر ضرر و زیان‌های احتمالی است. بنابراین با توجه به ریشه اسلامی این نوع بیمه می‌توان گفت که یکی از منابع اصلی تأمین مالی این نوع بیمه، مخارج مذهبی خانوارها به‌شمار می‌رود. بر این اساس مرحله نهایی مطالعه حاضر به شبیه‌سازی انتقال مخارج مذهبی خانوارها به بیمه تکافل به‌عنوان بخشی از بیمه‌های اجتماعی پایه و تأثیر آن بر عدالت اقتصادی - اسلامی می‌پردازد. مرحله اساسی این شبیه‌سازی، پیش‌بینی مقادیر بیمه‌های اجتماعی پایه و همچنین پیش‌بینی هزینه‌های مذهبی خانوارها است. برای این کار، با استفاده از داده‌های سری زمانی ۲۵ ساله از سال ۱۳۷۶ تا ۱۴۰۰ هر استان و با به‌کارگیری روش ARIMA بعد از بررسی مانایی سری‌های زمانی هر استان، به پیش‌بینی هریک از

این متغیرها پرداخته شده است. جدول (۶) پیش‌بینی‌های مبتنی بر روش ARIMA برای هریک از استان‌های ایران برای دو متغیر بیمه‌های اجتماعی و پایه و هزینه‌های مذهبی برای دو سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ را نشان می‌دهد. شایان گفتن است که آزمون مانایی این دو متغیر برای همه استان‌ها بررسی شده و در صورت وجود ریشه واحد از طریق تفاضل‌گیری یا لگاریتم‌گیری تبدیل به متغیرهای مانا شده و سپس تخمین ARIMA بر روی آن‌ها انجام گرفته است.

جدول ۶: پیش‌بینی بیمه تأمین اجتماعی پایه و هزینه‌های مذهبی (میلیون ریال)

استان	بیمه اجتماعی پایه سال ۱۴۰۲	بیمه اجتماعی پایه سال ۱۴۰۳	هزینه‌های مذهبی سال ۱۴۰۲	هزینه‌های مذهبی سال ۱۴۰۳
تهران	۱۹۷۰۰۰۰۰	۱۹۶۰۰۰۰۰	۱۶۳۶/۰۰۱	۱۵۹۰/۴۵۴
اصفهان	۱۸۳۰۰۰۰۰	۱۷۸۰۰۰۰۰	۱۹۸۴/۵۶۵	۱۹۷۳/۱۶۹
خراسان رضوی	۱۳۴۰۰۰۰۰	۱۳۲۰۰۰۰۰	۲۰۸۶/۶۹۸	۲۰۴۶/۷۰۲
مازندران	۲۸۰۰۰۰۰۰	۲۷۶۰۰۰۰۰	۱۸۰۴/۹۳۹	۱۷۷۲/۱۲۵
فارس	۱۳۲۰۰۰۰۰	۱۲۸۰۰۰۰۰	۱۰۱۹/۵۵	۹۹۲/۴۲۰۴
خوزستان	۱۲۶۰۰۰۰۰	۱۲۴۰۰۰۰۰	۸۲۴/۶۹۶	۷۸۷/۹۱۷۵
آذربایجان‌شرقی	۲۱۷۰۰۰۰۰	۲۱۳۰۰۰۰۰	۱۱۶۹/۱۲۸	۱۱۶۴/۵۴۲
گیلان	۲۰۵۰۰۰۰۰	۲۰۲۰۰۰۰۰	۱۰۱۹/۰۰۴	۹۹۸/۳۴۶۶
کرمان	۱۰۱۰۰۰۰۰	۹۷۹۲۰۶۴	۲۲۵/۳۶۳۵	۲۰۹/۸۴۰۴
آذربایجان‌غربی	۸۳۶۴۷۱۵	۸۱۱۶۱۴۵	۹۰۸/۲۹۹۳	۹۰۴/۱۹۵۷
کرمانشاه	۱۵۰۰۰۰۰۰	۱۴۹۰۰۰۰۰	۱۳۹۱/۴۴۹	۱۳۵۷/۶۲۲
یزد	۲۴۶۰۰۰۰۰	۲۴۲۰۰۰۰۰	۲۰۵۷/۳۵۴	۱۹۳۳/۶۷۸
گلستان	۲۳۰۰۰۰۰۰	۲۲۶۰۰۰۰۰	۱۰۶۶/۶۴۶	۱۰۳۲/۶۵
همدان	۱۱۶۰۰۰۰۰	۱۱۴۰۰۰۰۰	۵۹۲/۹۹۴۱	۵۲۹/۳۶۳۷
مرکزی	۱۲۱۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰۰	۳۳۴۹/۸۴۹	۳۲۹۸/۷۰۱
سمنان	۱۶۹۰۰۰۰۰	۱۶۷۰۰۰۰۰	۱۰۲۰/۷۶۴	۱۰۱۵/۶۷۶
لرستان	۱۲۰۰۰۰۰۰	۱۱۷۰۰۰۰۰	۳۶۹/۴۲۱۲	۳۲۰/۲۱۱۴
اردبیل	۱۵۳۰۰۰۰۰	۱۴۹۰۰۰۰۰	۹۴۹/۹۸	۹۳۲/۴۲۵۱
قزوین	۲۰۶۰۰۰۰۰	۲۰۴۰۰۰۰۰	۸۴۱/۱۸۷۴	۸۱۸/۸۹۰۹
هرمزگان	۱۹۰۰۰۰۰۰	۱۸۷۰۰۰۰۰	۵۳۳/۹۲۰۱	۵۲۹/۶۹۴۵
بوشهر	۳۱۰۰۰۰۰۰	۲۹۶۰۰۰۰۰	۲۵۷۷/۰۹۳	۲۴۶۰/۵۷۸

استان	بیمه اجتماعی پایه سال ۱۴۰۲	بیمه اجتماعی پایه سال ۱۴۰۳	هزینه‌های مذهبی سال ۱۴۰۲	هزینه‌های مذهبی سال ۱۴۰۳
کردستان	۱۳۵۰۰۰۰۰	۱۳۳۰۰۰۰۰	۶۵۵/۴۶۶۳	۶۳۳/۷۰۴۵
زنجان	۲۱۸۰۰۰۰۰	۲۱۴۰۰۰۰۰	۱۱۹۳/۲۶۲	۱۰۸۷/۹۴۵
قم	۱۵۲۰۰۰۰۰	۱۴۹۰۰۰۰۰	۱۵۰۰/۹۶۹	۱۴۴۷/۱۹۱
سیستان و بلوچستان	۱۱۸۰۰۰۰۰	۱۱۴۰۰۰۰۰	۳۵۰/۴۱۸۵	۳۵۰/۶۱۷۱
چهارمحال و بختیاری	۲۰۱۰۰۰۰۰	۱۹۷۰۰۰۰۰	۲۹۲/۰۲۴۲	۲۲۹/۶۴۶
ایلام	۱۵۲۰۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰۰۰	۶۲۱/۹۰۲۲	۶۲۰/۷۰۲
کهگیلویه و بویراحمد	۱۴۵۰۰۰۰۰	۱۴۱۰۰۰۰۰	۷۷۷/۴۵۶۴	۷۶۸/۷۱۸۹
خراسان شمالی	۱۸۹۰۰۰۰۰	۱۸۳۰۰۰۰۰	۱۲۹۵/۷۸	۱۲۷۹/۵۷۸
خراسان جنوبی	۱۳۴۰۰۰۰۰	۱۳۱۰۰۰۰۰	۹۱۶/۰۹۲۳	۹۰۳/۰۸۳۹
البرز	۲۵۱۰۰۰۰۰	۲۴۶۰۰۰۰۰	۱۱۴۲/۹۲۹	۱۱۱۲/۲۱۶

(منبع: یافته‌های تحقیق)

با فرض تحقق پیش‌بینی‌های مربوط به بیمه تأمین اجتماعی پایه و پیش‌بینی مخارج مذهبی خانوارها، در راستای شبیه‌سازی تکافل می‌توان این‌گونه فرض نمود که هزینه‌های مذهبی خانوارها به بیمه تکافل سرازیر می‌گردد. در این شرایط با توجه به مدل عدالت اقتصادی تخمین‌زده شده و بر این اساس که با افزایش یک درصد بیمه اجتماعی پایه، عدالت اقتصادی به میزان ۰/۲۱۵۱ بهبود می‌یابد، می‌توان انتظار داشت که شاخص عدالت اقتصادی-اسلامی با افزودن بیمه تکافل از منبع مخارج مذهبی، براساس جدول (۷) تغییر یابد. با توجه به این جدول پیش‌بینی می‌شود که تخصیص منابع حاصل از هزینه‌های مذهبی بر تکافل، منجر به کاهش نابرابری به میزان ۰/۳۱۲ الی ۵/۹۵۴ درصد در سال ۱۴۰۲ و ۰/۲۵۰ الی ۵/۹۱۲ درصد در سال ۱۴۰۳ گردد. شایان ذکر است که کمترین تغییر مربوط به استان چهارمحال و بختیاری و بیشترین تغییر مربوط به استان مرکزی می‌باشد.

با توجه به آنچه ذکر شد، مشاهده می‌گردد که اولا بیمه‌های تأمین اجتماعی پایه بیشتر از لایه‌های دیگر تأمین اجتماعی منجر به بهبود عدالت می‌گردند و ثانیا در صورتی که مخارج مذهبی خانوارها صرف تشکیل بیمه تکافل گردند، تأثیر بهینه‌ای بر عدالت اقتصادی - اسلامی استان‌ها مشاهده خواهد شد.

جدول ۷: تغییر عدالت اقتصادی براساس شبیه‌سازی بیمه تکافل

استان	درصد تغییر هزینه بیمه بعد از افزدون مخارج مذهبی به‌عنوان هزینه بیمه تکافل		درصد تغییر نابرابری	
	سال ۱۴۰۲	سال ۱۴۰۳	سال ۱۴۰۲	سال ۱۴۰۳
تهران	۸/۳۰۴	۸/۱۱۴	-۱/۷۸۶	-۱/۷۴۵
اصفهان	۱۰/۸۴۴	۱۱/۰۸۵	-۲/۳۳۲	-۲/۳۸۴
خراسان رضوی	۱۵/۵۷۲	۱۵/۵۰۵	-۳/۳۴۹	-۳/۳۳۵
مازندران	۶/۴۴۶	۶/۴۲۰	-۱/۳۸۶	-۱/۳۸۱
فارس	۷/۷۲۳	۷/۷۵۳	-۱/۶۶۱	-۱/۶۶۷
خوزستان	۶/۵۴۵	۶/۳۵۴	-۱/۴۰۷	-۱/۳۶۶
آذربایجان‌شرقی	۵/۳۸۷	۵/۴۶۷	-۱/۱۵۸	-۱/۱۷۶
گیلان	۴/۹۷۰	۴/۹۴۲	-۱/۰۶۹	-۱/۰۶۳
کرمان	۲/۲۳۱	۲/۱۴۲	-۰/۴۷۹	-۰/۴۶۰
آذربایجان‌غربی	۱۰/۸۵۸	۱۱/۱۴۰	-۲/۳۳۵	-۲/۳۹۶
کرمانشاه	۹/۲۷۶	۹/۱۱۱	-۱/۹۹۵	-۱/۹۵۹
یزد	۸/۳۶۳	۷/۹۹۰	-۱/۷۹۸	-۱/۷۱۸
گلستان	۴/۶۳۷	۴/۵۶۹	-۰/۹۹۷	-۰/۹۸۲
همدان	۵/۱۱۲	۴/۶۴۳	-۱/۰۹۹	-۰/۹۹۸
مرکزی	۲۷/۶۸۴	۲۷/۴۸۹	-۵/۹۵۴	-۵/۹۱۲
سمنان	۶/۰۴۰	۶/۰۸۱	-۱/۲۹۹	-۱/۳۰۸
لرستان	۳/۰۷۸	۲/۷۳۶	-۰/۶۶۲	-۰/۵۸۸
اردبیل	۶/۲۰۹	۶/۲۵۷	-۱/۳۳۵	-۱/۳۴۶
قزوین	۴/۰۸۳	۴/۰۱۴	-۰/۸۷۸	-۰/۸۶۳
هرمزگان	۲/۸۱۰	۲/۸۳۲	-۰/۶۰۴	-۰/۶۰۹
بوشهر	۸/۳۱۳	۸/۳۱۲	-۱/۷۸۸	-۱/۷۸۸
کردستان	۴/۸۵۵	۴/۷۶۴	-۱/۰۴۴	-۱/۰۲۴
زنجان	۵/۴۷۳	۵/۰۸۳	-۱/۱۷۷	-۱/۰۹۳
قم	۹/۸۷۴	۹/۷۱۲	-۲/۱۲۴	-۲/۰۸۹
سیستان و بلوچستان	۲/۹۶۹	۳/۰۷۵	-۰/۶۳۸	-۰/۶۶۱
چهارمحال و بختیاری	۱/۴۵۲	۱/۱۶۵	-۰/۳۱۲	-۰/۲۵۰
ایلام	۴/۰۹۱	۴/۱۳۸	-۰/۸۸۰	-۰/۸۹۰
کهگیلویه و بویراحمد	۵/۳۶۱	۵/۴۵۱	-۱/۱۵۳	-۱/۱۷۲
خراسان شمالی	۶/۸۵۵	۶/۹۹۲	-۱/۴۷۴	-۱/۵۰۴
خراسان جنوبی	۶/۸۳۶	۶/۸۹۳	-۱/۴۷۰	-۱/۴۸۲
البرز	۴/۵۵۳	۴/۵۲۱	-۰/۹۷۹	-۰/۹۷۲

(منبع: یافته‌های تحقیق)

۶. نتیجه‌گیری

یکی از دغدغه‌های اصلی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در برنامه‌های توسعه اقتصادی ارتقای عدالت و کاهش نابرابری اقتصادی است. از این‌رو، بررسی عوامل مؤثر بر عدالت اقتصادی و ارائه راهکارهایی برای کاهش نابرابری همواره مورد توجه ویژه اقتصاددانان و محققان بوده است. بر این اساس و با توجه به اهمیت رواج تکافل در صنعت بیمه اسلامی از یک‌سو و امکان ترویج بیمه تکافل از طریق متقاعد نمودن مردم برای هدایت هزینه‌های مذهبی به سمت تشکیل این نوع بیمه از سوی دیگر، هدف مطالعهٔ حاضر بررسی نقش لایه‌های مختلف تأمین اجتماعی در عدالت اقتصادی - اسلامی استان‌های ایران در دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۴۰۰ با استفاده از روش اقتصادسنجی گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) و همچنین پیش‌بینی تأثیر تکافل بر ارتقای عدالت اقتصادی - اسلامی از طریق سناریوسازی هدایت هزینه‌های مذهبی خانوارها به سمت بیمه تکافل بوده است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهند که در هر سه مدل نابرابری دوره قبل رابطه مثبت و معنی‌داری با نابرابری اقتصادی دوره جاری دارد. نرخ تورم نیز در هر سه مدل رابطه منفی با نابرابری دارند. این رابطه منفی در دو مدل معنی‌دار است. براساس استدلال شاکری بستان‌آباد و جلیلی (۱۳۹۹)، رابطه منفی بین نرخ تورم و نابرابری ممکن است به علت این واقعیت باشد که تورم کالاهای لوکس نسبت به تورم کالاهای ضروری بیشتر است. علاوه براین، در هر سه مدل یک رابطه مثبت بین تولید ناخالص داخلی و نابرابری مشاهده می‌گردد و این رابطه در دو مدل معنی‌دار بوده است. این نتیجه نیز با مطالعاتی از قبیل روبین و سگال (۲۰۱۵)، نییمبانیرا (۲۰۱۷) و امبازیا (۲۰۱۷) سازگار است. بنابراین می‌توان گفت که رشد اقتصادی در کشور از نوع فقرزدا نبوده و نه تنها باعث بهبود عدالت نشده، بلکه منجر به افزایش نابرابری نیز شده است. نتایج مدل‌های عدالت اقتصادی - اسلامی همچنین حاکی از آن است که هر سه لایه مساعدت‌های اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی پایه و بیمه‌های اجتماعی تکمیلی به‌طور معنی‌داری باعث کاهش نابرابری می‌شود و بنابراین در دوره مورد بررسی، نظام تأمین اجتماعی در هر سه لایه برای کاهش ناعدالتی، موفق عمل کرده است. این نتیجه نیز منطبق بر نتایج ژو و کلارک (۲۰۱۵)، کاستنر و لوبتسکی (۲۰۱۶) و طهرانچیان و همکاران (۱۳۹۹) است. اما با توجه به ضرایب برآوردها، بیمه‌های اجتماعی پایه با ضریب ۰/۲۱۵۱- بیشترین تأثیر و مساعدت‌های اجتماعی با ضریب ۰/۰۱۸۷- کمترین تأثیر را بر کاهش نابرابری دارند. علاوه بر این، با توجه به نتایج به‌دست آمده، می‌توان گفت که نظام تأمین اجتماعی می‌تواند از طریق هدایت بخشی از مخارج مذهبی خانوارها به سوی بیمه تکافل که یک بیمه اسلامی و از نوع بیمه اجتماعی پایه می‌باشد، بیشترین تأثیر را بر تأمین عدالت داشته باشد. بر این اساس مرحله نهایی مطالعه حاضر به سناریوسازی انتقال مخارج مذهبی خانوارها به بیمه تکافل به‌عنوان بخشی از بیمه‌های اجتماعی پایه و تأثیر آن بر عدالت اقتصادی - اسلامی تخصیص یافته است. با توجه به تخمین مدل ARIMA برای مخارج مذهبی خانوارهای تک تک استان‌ها با استفاده از داده‌های ۱۳۷۶ تا ۱۴۰۰ و پیش‌بینی آن برای دو سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ و سپس بررسی تأثیر آن بر شاخص عدالت براساس مدل عدالت اقتصادی - اسلامی می‌توان انتظار داشت که

شاخص ناعدالتی اقتصادی - اسلامی با افزودن بیمه تکافل از منبع مخارج مذهبی، در استان‌های مختلف در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ به ترتیب به میزان حداقل۰,۳۱ و ۰,۲۵ (چهار محال و بختیاری) و حداکثر ۵,۹۵ و ۵,۹۱ (مرکزی) بهبود یابد.

با توجه به یافته‌های پژوهش به سیاست‌گذاران حوزه تأمین اجتماعی و عدالت اقتصادی پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- سرمایه‌گذاری در هر سه لایه تأمین اجتماعی می‌تواند منجر به کاهش ناعدالتی گردد. بنابراین بهتر است هیچ‌یک از عناصر بیمه پایه، بیمه تکمیلی و مساعدت‌های اجتماعی در سیاست‌گذاری‌ها نادیده گرفته نشود؛
- با توجه به تأثیر بیشتر بیمه پایه بر عدالت، بهتر است بیمه پایه به‌عنوان لایه اساسی در نظر گرفته شود و تمرکز بر این لایه قرار گیرد تا از این طریق نتایج کاراتری در رابطه با کاهش ناعدالتی اقتصادی حاصل شود؛
- مدیران و سیاست‌گذاران می‌توانند بر بیمه تکافل اسلامی به‌عنوان یکی از انواع بیمه‌های پایه تمرکز نموده و از طریق هدایت مخارج مذهبی خانوارها به این سمت منجر به گسترش این نوع بیمه گردند و از این طریق علاوه بر کسب سایر اهداف، به تأمین عدالت اقتصادی - اسلامی نیز کمک کنند؛
- پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های دولت براساس سیاست رشد اقتصادی فقرزدا، یعنی همراه نمودن رشد اقتصادی با توزیع عادلانه رفاه حاصل از رشد استوار باشد. این پیشنهاد، با رشد اقتصادی توأم با توزیع عادلانه رفاه حاصل از رشد که از اهداف اصلی اقتصاد اسلامی است، مطابقت دارد؛
- پیشنهاد می‌گردد مسئولین مذهبی و فرهنگی و دارندگان تریبون‌ها، در ارتباط با تکافل و مسئولیت اجتماعی آحاد مردم تبیین و روشنگری لازم را ایجاد نمایند؛
- دولت در بسترسازی و هدایت مردم برای ایفای نقش مسئولیت اجتماعی‌شان دارای مسئولیت می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌شود که دولت و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران دولتی اقدامات لازم را به عمل بیاورند. در این رابطه تقویت و توسعه ستاد زکات و برقراری ارتباط آن با سازمان تأمین اجتماعی می‌تواند مؤثر باشد.

References

The Quran

Abou Nouri, E. (1997). The Effect of Macroeconomic Indicators on Income Distribution in Iran. *Economic Research, 51,* 1-31. [In Persian]

Ahmadi, A. M. & Mehregan, N. (2005). Variations of Income Distribution and The Economic Adjustment in Iranian Economy. *Economic Research, 70,* 209-232. [In Persian]

Aminrashti, N. & Ghorbani Valikchali, A. (2013). The Social Security System of the Human Development in Iran. *Financial Economics, 7*(23), 81-110. [In Persian]

Amornthum, S. (2004). Income Inequality, Inflation and Nonlinearity: The Case of Asian Economies. University of Hawaii, Economic Research Organization Lecture note, 601.

Arellano, M., and Bond, S. (1991). Some Tests of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and an Application to Employment Equations. *The Review of Economic Studies*, 58 (2), 277-297.

Arena, M. (2008). Does Insurance Market Activity Promote Economic Growth? A Cross-Country Study for Industrialized and Developing Countries. *Journal of Risk and Insurance*, 75 (4), 921-946.

Asongu, S. A., & Odhiambo, N. M. (2020). Insurance and Inequality in Sub-Saharan Africa: Policy Thresholds. African Governance and Development Institute, Forthcoming: *International Social Science Journal*, WP/20/005.

Bonfiglioli, A. (2012). Investor protection and income inequality: Risk sharing vs risk taking. *Journal of Development Economics*, 99, 92-104.

Brzezinski, M. & Salach, K. (2022). Determinants of inequality in transition countries. *IZA World of Labor*, 496. doi: 10.15185/izawol.496.

Bucevska, V. (2019) Determinants of Income Inequality in EU Candidate Countries: A Panel Analysis. *Economic Themes*, 57 (4), 397-413.

Checchi, D. & García-Peñalosa, C. (2004). Risk and the Distribution of Human Capital. *Economic Letter*, 82, 53–61.

Derakhshan, M. (2008). Econometrics, Volume 1: Single Equations with Classical Assumptions (Part 1). Publisher: SAMT, Third Print. [In Persian]

Galli, R. & Van der Hoeven, R. (2001). Is Inflation Bad for Income Inequality: The Importance of the Initial Rate of Inflation. *Employment Paper*, 29.

Ghaffari, A. A., Asgari, A., & Abedian, S. H. (2019). Place of Justice in Cultural-Social Development with Emphasis on Positive Law. *Socio-Cultural Development Studies*, 8 (3), 195-214. [In Persian]

Ghasemi Dehaghi, M., Karimi Moughari, Z., & Elmi, Z. (2023). The Impact of Economic-Political Factors on Inequality in the First (1989-1993) and Second (1995-1999) Development Plans. *Economic Research and Policies*, 31 (106), 287-312. [In persian]

Ghoreishi, F., & Mohammadi, M. H. (2022). Factors Influencing and Reproducing Income Inequality: A Case Study of India. *Polotics Quarterly*, 52 (2), 483-503. [In persian]

Hamzehpour, M., Mohammadi, R., & Sherafati, M. (2013). Convergence of Governing Institutions in Line with Social Takaful with Islamic Approach. The International Congress on Islamic Humanities, Specialized Islamic Management Commission. [In persian]

Jamshidi, N., & Toghyani Dolatabadi, M. (2019). Advantage of Takaful on Insurance from the Perspective of Economic Justice. *Islamic Economics and Banking*, 8 (26), 25-50. [In persian]

Kaestner, R., & Lubotsky, D. (2016). Health Insurance and Income Inequality. *Journal of Economic Perspectives*, 30 (2), 53–78.

Kuznets, S. (1955). Economic Growth and Income Inequality. American *Economic Review*, 45, 1–28.

Mbazia, N. (2017). Inequality and Growth in Tunesia: Empirical Evidence on the Role of Macroeconomic Factors. *Theoretical and Practical Research in Economic Fields*, 8 (16), 153-160.

Mirzayi, A., Hasani, M., & Nouraldini, S. S. (2014). The Effect of Important Insurance Indicators on Economic Growth in OPEC Member Countries Using a Dynamic Panel Model Using GMM Method. *Journal of Insurance Research*, 29 (1), 1-22. [In persian]

Mirzayi, A., & Mirzayi, Z. (2015). The Nature of the Right to Social Security in Islam. *Islamic Human Rights Studies*, 8, 95-116. [In persian]

Motameni, M. (2015). Private Insurance and Income Inequality in Iran. *Asian Economic and Financial Review*, 5 (3), 418-425.

Mousavi Jahromi, Y., Khodadad Kashi, F., and Ahmadi, A. M. (2014). Evaluation of the Factors Affecting Income Inequality. *Iranian Journal of Economic Research*, 61, 117-147. [In persian]

Naghdi, A., Mehregan, M., & Mali Amiri, M. (2021). The Role of Insurance in Reducing Social Inequality. *Insurance Research Center*, 87. [In persian]

Niyimbanira, F. (2017). Analysis of the Impact of Economic Growth on Income Inequality and Poverty in South Africa: The case of Mpumalanga Province. *International Journal of Economic and Financial Issues*, 7 (4), 254-261.

Panahi, H., & Nasibparast, S. (2015). Factors Affecting Income Distribution in Iran's Provinceswith an Emphasis on Qarz al-Hasaneh: A Bayesian Econometric Approach. *Ma'rifat-e Eghtesad-e Islami*. 2 (12), 23-42. [In persian]

Pham-Dao, L. (2016). Public Insurance and Wealth Inequality - A Euro Area Analysis. Demographischer Wandel - Session: Inequality in Germany and Europe, No. A06-V3, ZBW - Deutsche Zentralbibliothek für Wirtschaftswissenschaften, Leibniz-Informationszentrum Wirtschaft, Kiel und Hamburg.

Rasouli, H., Abbaschian, A., Hamidi, G., and Khalji, S. (2019). An overview of the basics of takaful insurance. *Economic Journal*, 19 (3-4), 125-153. [In persian]

Romer, C. D., and Romer, D. H. (1998). Monetary Policy and the Well-Being of the Poor. NBER Working Paper 6793, Cambridge, MA, National Bureau of Economic Research.

Rubin, A., & Segal, D. (2015). The Effect of Economic Growth on Income Inequalityin the US. *Journal of Macoeconomics*, 45 (1), 258-273.

Sadri H. (2012). Economic Justice Criteria: The Just and Efficient Extraction and Usage of Exhaustible Resources. *Islamic Economics and Banking*, 1 (1), 129-145. [In persian]

Shakeri, A., Jahangard, E., & Aghlami, S. (2013). The Nonlinear Effect of Inflation on Income Inequality in Iran. *The Economic Research*, 13 (4), 27-53. [In persian]

Shakeri, A., Momeni, F., Khadem Alizadeh, A., & Makhzan Mousavi, S. H. (2019). Assessing the Synthesized Index of Economic Justice with an Islamic Approach in Iran (1995-2018). *Journal of Iran's Economic Essays: An Islamic Approach*, 16 (31), 9-40. [In persian]

Shakeri, A., Momeni, F., Khadem Alizadeh, A., & Makhzan Mousavi, S. H. (2019). An Introduction to Combined Index of Economic Justice: An Islamic Approach. *Journal of Islamic Economics*, 74 (19), 5-33. [In persian]

Shakeri Bostanabad, R., & Jalili, Z. (2020). Factors Affecting Provincial Income Distribution Inequality in Iran: Using a Fractional Panel Probit Model. *The Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 20 (4), 205-228. [In persian]

Shao, L. F. (2021). Robust Determinants of Income Distribution Across and Within Countries. *PLoS ONE*, 16 (7): e0253291. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0253291.

Sharif al-Razi, M. (1414 Gh). Nahj al-Balagha. Translation: Ansariyan, H., Publisher: Payame Azadi, Second Print, Tehran. [In persian]

Tehranchian, A. M., Zaroki, S., & Imani, N. (2019). An Empirical Test of the Impact of Insurance on Income Inequality in Iran. *Planning and Budgeting*, 24 (3), 35-60. [In persian]

Zhu, L., & Clark, J. H. (2015). Inequality in Health Care Persists at the State Level, Especially in Real State with Diverse Populations. *USApp-American Politics and Policy Blog*, 15 (2), 239-262.

Zobeiri, H., Motamani, M., & Osia, S. S. (2021). Insurance, Inequality and Sustainable Development; The Effect of Commercial Insurance on Income Inequality in Selected Developing and Developed Countries. *Journal of Iranian Economic Development Analyses*, 8 (1), 1-16. [In persian]

Quarterly Journal of The Economic Research (Sustainable Growth and Development)
Original Research Article/ Vol.24, No.3, Autumn 2024, pp: 229-254

Social Security System Layers and Islamic Economic Justice with Special Emphasis on Takaful

Hamidreza Naeb Khosroshahi[1]
Mohammadreza Nahidi Amirkhiz[2]
Mohammad Ali Motafakker Azad[3]
Seyyed Ali Paytakhti Oskouyi[4]

Received: 2023/10/17 Accepted: 2023/11/04

Introduction

Economic development is one of the main goals of all countries, and most scientists believe that development is only accessible if there is equality. For this reason, despite the differences and contradictions in schools and societies, the issue of inequality and especially economic inequality has been always a vital concern of economists and policymakers all over the world. Meanwhile, since justice is one of the fundamental goals of Islam, Islamic economists have a more scrutinizing and much clear vision of equality. Apart from the importance of economic equality in Islam, it has a cucial role in social security systems and equality concepts as well. Takaful insurance, is a widely used Islamic model in insurance risk coverage which has fundamental differences with conventional insurance mechanisms. Takaful is cooperative, not profit oriented, and fully allined and complied with Islamic rules and regulations. This study is aiming at investigating the effect of various layers of social security system on Islamic-economic equality in the Iranian provinces during 2008-2021. GMM prediction model is applied for predicting the effect of Takaful on inequality and directing houshold religious expenses towards Takaful insurance.

Methodology

According to previous theoretical and experimental literature, economic inequality can be affected by inequality in previous years. Therefore, in this study a dynamic econometric method is used to include the lagged dependant variable as one of the explanatory variables. In general, if a variable depends on vaiables of previous periods, among other independent ones, it is better to use a dynamic

1. Ph.D. Candidate in Economics, Faculty of Management and Economics, Azad University of Tabriz, Tabriz, Iran. (Corresponding Author) Email: hr.khosroshahy@yahoo.com
2. Assistant Professor of Economics, Faculty of Management and Economics, Azad University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: nahidi@iaut.ac.ir
3. Professor of Economics, Faculty of Economics and Management, Tabriz University, Tabriz, Iran. Email: m.motafakker@gmail.com
4. Associate Professor of Economics, Faculty of Management and Economics, Azad University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: oskooe@yahoo.com

panel data model. Generalized method of moments is one of the common and widely used dynamic approaches. The reason for the popularity of this method is that it is very flexible and requires only some weak assumptions. Therefore, Generalized Method of Moments (GMM) greatly solves the problems of static panel data methods related to autocorrelation, variance heterogeneity, and skewness. The reason for using this method is that, firstly, there is a possibility that the current dependent variable is affected by the lagged variables, and secondly, since one of the ways to control the endogeneity of variables is to use instrumental variable and due to the fact that it is very difficult to find such an instrument, it is possible to use lagged variables as appropriate instruments applying GMM estimator.

Findings

The results of this research indicate that the inequality of the previous period has a positive and significant relationship with current economic inequality in all three models. This means that high inequality in the previous period causes high inequality in the current period. Moreover, consistent with some studies, GDP has a positive and significant relationship with economic inequality. It means that an increase in GDP is associated with increased inequality. This result indicates that in Iran, there is no antipoverty growth. Inflation rate has also a negative relationship with inequality in all models, and this relationship is significant in two models. Following some previous studies, this result can be interpreted as the negative relationship can be caused by the fact that the inflation of luxury goods is higher than the inflation of essential goods and therefore, increased inflation is more detrimental to the rich. In addition, all three layers of social assistance, basic social insurance, and supplementary social insurance significantly reduce inequality. Meanwhile, basic social insurance has the greatest effect, and social assistance has the least effect on reducing inequality. In addition, based on the results, it can be stated that by directing houshold religious expenses towards Takaful insurance, which is an Islamic insurance and a type of basic social insurance, it is possible to reduce Islamic-Economic inequality in 2023 and 2024. The amounts of the decreases are predicted to be a minimum of 0.31 and 0.25 (Chahar Mahal and Bakhtiari) and a maximum of 5.95 and 5.91 (Markazi).

Discussion and Conclusion

According to the results, investing in all three layers of social security can lead to a reduction in inequality. Therefore, it is suggested not to ignore any layer in policymaking. Due to the greater impact of basic insurance on equality, it is thought to consider it as the basic layer of social security and focus on this layer to reduce inequality more. Managers and policymakers can also focus on Takaful as one of the basic types of insurance and help to provide Islamic-Economic

equality by directing houshold religious expenses towards Takaful. Moreover, it is suggested that the governmental plans should be based on combining economic growth with improved welfare and income distribution which is one of the main goals of the Islamic economy. It is also suggested that the religious and cultural officials should create the necessary explanation and enlightenment related to Takaful and social responsibility of people. The government responsiblity in creating a foundation and guiding people to fulfill their social responsibility by strengthening and developing Zakat headquarters and communicating with social security organization should not be underestimated.

Keywords: Economic Inequality, Generalized Method of Moments, Iran Economy, Social Security, Takaful
JEL Classification: C23, D63, H55